

پرستاران نجات روان

یک روز در بیمارستان ابن سینا همراه با پرستارانی که خواهرانه در کنار بیماران هستند و به آن‌ها کمک می‌کنند

تحمل شرایط بیماران از آنچه فکر می‌کنیم هم سخت‌تر است. انگار بیمارستان روان و درمان یک جزیره متفاوت یا بخشی از زندگی است و آن‌ها را که برای کمک به این بیماران عمرشان را وقف کرده‌اند نباید از جنس آدم‌های معمولی محسوب کرد. پرستارانی که می‌دانند با آدم‌هایی در ظاهر سالم روبه‌رو هستند اما عفونت زخم‌های روحی این بیماران تمام زندگی‌شان را کدر کرده است. قطعاً نمی‌شود با پرستاران صبور و مهربان بخش زنان این بیمارستان روبه‌رو شد و حرفی از حقوق و مزایا زد زیرا شرافت این بانوان قیمت ندارد.



شماره ۴
جمادی الاولی ۱۴۴۴
۸ آذر ۱۴۰۱
شماره ۳۸۲۲

شهربانو



✚ زنانی که فریادهای بلند سر می‌دهند

قبل از ورود به بخش حاد بیمارستان، صدای فریادهای بلند و گوش‌خراش زنی به گوش می‌رسد، زنی که روی تخت خوابیده است و خانم اکبری که سال‌ها پرستار و میزبان این زنان است، قبل از اینکه صحبتش را با ما شروع کند به سمت بیمار می‌رود. چند جمله‌ای با او صحبت می‌کند اما انگار بیمار قانع نمی‌شود سکوت کند. علتش را که جویا می‌شوم، می‌فهمم به یک اخلاص روانی ژنتیکی مبتلاست. خانم اکبری که برمی‌گردد، در حالی که می‌توان آثار غم و ناراحتی را در صورتش مشاهده کرد، انگار سؤال را بی‌آنکه بپرسم از نگاهم می‌خواند. توضیح می‌دهد: در بخش حاد زنان، از این دست بیماران زیاد داریم، کسانی که دیگر خانواده‌ها هم نمی‌توانند تحملشان کنند.

حتی وقتی هم ترخص می‌شوند، باز هم خانواده‌ها رغبتی به نگهداری ندارند. این بیماران ممکن است هر لحظه به خودشان یا دیگری آسیب وارد کنند. فریاد می‌زنند و خسته نمی‌شوند. حتی گاهی الفاظ رکیک به کار می‌برند ولی چون ما می‌دانیم که شرایط خاصی دارند، سعی می‌کنیم تحمل کنیم.

خانم اکبری شانزده سال سابقه کار دارد. خودش مادر سه فرزند است و بعد از بیمارستان، تازه کارش در خانه و کمک به تحصیل بچه‌ها شروع می‌شود و می‌گوید: «اصلاً نمی‌توانم گفت کار با بیماری که مشکل روان دارد آسیب روحی به پرستار نمی‌زند. قطعاً استرس ناشی از این کار زیاد است. سختی کار فراوان است. ما با افرادی روبه‌رو هستیم که گاهی حتی مادرشان هم نمی‌تواند آن‌ها را تحمل کند. این کار صبر خاصی می‌خواهد که هر پرستاری هم نمی‌تواند انجام دهد به‌ویژه در بخش حاد که برخی از بیماران حتی پرستار و بهیار را کتک می‌زنند. بارها اتفاق افتاده بیمار در حالت طبیعی بوده اما یکباره به سمت پرستار آمده و او را گاز گرفته است یا اینکه کبودی و ضرب‌به‌شدیدی در حد در رفتگی در استخوان ایجاد کرده است.»



✚ تنها حمایتگر آن‌ها هستیم

زینب محمد کریمی از دیگر پرستاران بیمارستان روان پزشکی ابن سیناست. او مادر یک دوقلو هشت ساله پسر و یک دختر پنج ساله است. انتخاب پرستاری برای او از سر عشق و علاقه بوده است و در کنکور سال ۸۲ پرستاری را در اولویت انتخاب‌های خود قرار می‌دهد. او که در این حرفه پانزده سال سابقه کار دارد، طرح خود

را از کار در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان در بیمارستان ام‌البنین شروع می‌کند. یک سالی به اورژانس بیمارستان قائم می‌رود. بعد برای کار به این بیمارستان منتقل می‌شود و تاکنون مشغول فعالیت است. فعالیتی که با ترس و استرس شروع می‌شود. «در دوران دانشجویی یک بازدید از این بیمارستان داشتیم. من بیماران بدحال را دیده‌بودم و برای کار در این بیمارستان واقعا استرس داشتم. برای اینکه مشکلم را حل کنم شروع به تحقیق کردم و با چند نفر از پرستاران اینجا صحبت کردم. خاطره‌هایی تعریف کردند که باعث علاقه من به این کار شد. وقتی با بیماران روان کار کنی، واقعا به آن‌ها علاقه‌مند می‌شوی زیرا تنها حمایتگر آن‌ها تو هستی. بسیاری از بیماران در شرایطی هستند که هیچ‌کسی را ندارند و تشنه محبت‌اند و با کوچک‌ترین محبتی کلی ذوق می‌کنند. متأسفانه خیلی از آن‌ها خانواده‌ای ندارند یا بعد از بهبودی کسی دنبال آن‌ها نمی‌آید و خانواده‌ها

جواب تلفن نمی‌دهند.»

✚ بیماران تشنه محبت‌اند

حرف از محبت که می‌شود، از محبت‌های خودش سؤال می‌کنم. می‌گوید: «یکی از مریض‌های بخش مردان که خیلی سال است اینجا است، نوشابه با قوطی فلزی را خیلی دوست دارد. وقتی برایش می‌خرم، کلی ذوق می‌کند و خوشحال می‌شود. یا وقتی برای بچه‌ها شکلات یا چیپس می‌خرم، کلی ذوق می‌کنند و خوشحال می‌شوند. اگر صبر داشته باشی، کار در این بیمارستان خیلی سخت نیست. فقط باید شرایط را درک کنی و با آن کنار بیایی و تحمل کنی

و روحیه قوی داشته باشی. من که فکر می‌کنم از وقتی اینجا کار می‌کنم صبرم بیشتر شده است و در برخورد‌هایم صبوری بیشتری به خرج می‌دهم و زود عصبانی نمی‌شوم.»

✚ کاشی‌های سرویس بهداشتی را کنده بود

بخش‌های مردان، زنان، حاد زنان، اطفال پسر و آموزشی زنان و مردان بخش‌های مختلفی بوده که او این سال‌ها در آن‌ها فعالیت کرده و اکنون مشغول به کار در بخش اطفال دختر است. از کار در این بخش خاطرات زیادی دارد. «پارسال در بخش اطفال بیمارستان که تا هجده ساله‌ها